



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۳/۲۲

اختر محمد یوسفی

حکومت همه شمول

مدتی است که غارتگران لفاظ و چپاولگر داخلی و حمایتگران خارجی ایشان برای فریب مردم افغانستان در گفتارهای شان با بسیار پر رویی، بی مسئولیتی و سبکسری اصطلاح "حکومت همه شمول" را برای حل بحرانی که خودشان ایجاد کرده اند ورد زبان ساخته اند. غارتگران لفاظ و چپاولگر داخلی و حمایتگران خارجی در نظر دارند که باز هم مانند گذشته ترکیب از جنایتکاران و دزدان حرفوی شانرا در یک ساختار چور و چپاول در افغانستان بنام "حکومت همه شمول" جابجای سازد.

حکومت همه شمول یعنی چی؟

حکومت یکی از اجزای سه گانه دولت است که ساختار آن باید توسط قانون با انتخاب افراد مسلکی، متخصص و پاک نفس بوجود می آیند، استعمال کلمه "همه شمول" برای حکومت قانونی که مشخصات آنرا غارتگران لفاظ و حمایتگران خارجی شان از ادرس سهمیه بندیهای اقوام و مذاهب ارانه میدارند تنها اینک غیر عملی است بلکه گفتن چنین جفنگها مسخره و شرم آور نیز است.

* حقیقت روشن است، مردم زحمتکش و با شرف افغانستان بنابر جنایات و خیانات بی شمار این غارتگران لفاظ و چپاولگر داخلی با حمایتگران خارجی شان در طی دو دهه که یکی از فاسدترین نمونه حکومت را در جهان در زیر چتر دیموکراسی در افغانستان دیده اند کافی است. توطیه ها و جنایات تداوم جنگ و تسلط غارتگران لفاظ و چپاولگر داخلی و حمایتگران خارجی پنج سال پیشتر در افغانستان رسوا شده است. مردم زحمتکش افغانستان با این غارتگران لفاظ و چپاولگر هیچ باور ندارد و بدین علت بوده اند که مردم در انتخابات ریاست جمهوری برای این غارتگران لفاظ و چپاولگر هم رأی نداده اند.

* این غارتگران لفاظ و چپاولگر اکنون بازهم مانند انتخابات قبلی 2014 میخواهد که از راه لجاجت بکمک استخبارات بیگانه چوکی های مقامات بالای حکومتی را بهر قیمت قانون شکنی و بی شرمی که هم باشد اشغال نمایند. حوادث جنگ و تداوم آن در افغانستان در طی چندین دهه همواره بنابر توطیه ها دشمنان خارجی بخصوص همسایه های کشور ما ایران و پاکستان که در میهن محبوب ما اهداف و منافع شوم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارند بکمک همین اجیران داخلی شان صورت گرفته است.

* هر زمانیکه مردم زحمتکش و صلحدوست افغانستان تلاشهای صلحجویانه برحق خود را بر ضد تداوم جنگ و خودریزی تشدید می بخشند، ایران و پاکستان مطابق سناریو شان بکمک اجیران داخلی خویش و پشتیبانان بین المللی آنان جلو تأمین صلح واقعی و عدالت را در افغانستان گرفته است. همین غارتگران لفاظ بودند که در سال 2002 میلادی در لویه جرگه ملی کشور فرصت طلایی را قطع جنگ و خونریزی در افغانستان را تخریب نمودند، به اشاره دشمنان خارجی میهن ما با انتخاب مناسب ترین شخصیت ملی شاه اسبق افغانستان محمد ظاهر شاه بحیث زعیم کشور مخالفت کردند. بدبختانه که جنگ و خودریزی در کشور بشدت آن ادامه یافته و این غارتگران و اجیران بیگانه در افغانستان حکمروایی میکند.

* نقش خاینانه اجیران داخلی ایران و پاکستان در افغانستان تاریکترین صفحات تاریخ معاصر افغانستان را رقم زده است. این غارتگران و جنایتکاران با القاب متعدد رنگین کمان خویش توطیه های دشمنان میهن ما را سازمان میدهند، اصطلاح "حکومت همه شمول" هم یکی از همان توطیه های رنگین کمان ایشان اند که برای فریب مردم شریف و بی دفاع افغانستان تبلیغ می کند.

ساختمان جنگ چهار دهه در افغانستان در دوجبهت متخاصم آن پایه های اجیران داخلی، محرکین و حمایتگران منطوقی و بین المللی دارد. موقعیت اجیران داخلی بنابر منافع شان گاهی هم تغییر پذیر است. جنگ افغانستان

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

بازیگران منقطوی و بین المللی متخاصم گاهی هم در بازی های ویرانی افغانستان در ویرانی باهم مشترک کار کرده اند.

اول: شورویها قبل خروج قوای متجاوز نظامی شان از افغانستان برای تداوم جنگ و خونریزی در میهن ما اجیران داخلی خویش را در وجود جمعیت "اسلامی" برهبری برهان الدین ربانی، گلجمان را برهبری رشید دوستم، منصور کیان رهبر فرقه اسماعلیه، و حزب "وحدت" پیروان خمینی و غیره را برای تداوم جنگ استخدام کردند و تا اکنون هم از همان نوکران اجیر خود در جنگ افغانستان حمایت مینمایند. بعد از امضای قرارداد "صلح" ژنیو در ماه اپریل 1988 میلادی در بین افغانستان - پاکستان هر دو جهت تضمین کننده آن قرارداد شوروی و امریکا با توافق هممنظر مواد قرارداد ژنیو را عملی نکردند، و پلان پنج فقره "صلح" سازمان ملل متحد در سال 1992 میلادی عملاً ناکام گردید است.

مجدداً آتش جنگ در افغانستان درگرفت که همه شما شاهد چور و چپاول و جنایات توسط جمعیت "اسلامی" برهبری برهان الدین ربانی، گلجمان رشید دوستم، رهبری فرقه اسماعلیه کیان، و حزب "وحدت" پیروان خمینی بکمک روسیه-ایران و ترکیه در افغانستان بودید. هیچیک از حلقات اتحاد "ضد" طالبان جمعیت "اسلامی" برهبری برهان الدین ربانی، گلجمان رشید دوستم، رهبری فرقه اسماعلیه کیان، و حزب "وحدت" پیروان خمینی در برابر طالبان مقاومت نکردند و قبل از ورود طالبان از کابل پایتخت افغانستان فرار نمودند و ارگ شاهی خالی که کلید های دروازه ها را هم با خود برده بودند.



جمعیت "اسلامی" و شورای نظار تمام اسلحه مهمات و دارایی دولتی باقیمانده کشور را بعد از فروش با پاکستان و ایران با خود به دره پنجشیر برده اند. در میان اموال سرقت شده ارگ شاهی توسط جمعیت "اسلامی" و شورای نظار موتر انتیک ارگ شاهی که عکس آن در فوق موجود است نیز شامل اموال سرقت بوده که توسط خسر احمد شاه مسعود به دره پنجشیر انتقال داده بودند، در این اواخر توسط عبدالله عبدالله دوباره به موزیم ملی کشور سپرده شده است.

اسناد کافی موجود است وقتی که نماینده طالبان ملا محمد ربانی با همراهان پاکستانی خویش در 26 سپتمبر 1996 میلادی داخل ارگ شاهی کابل شدند، کلید های دروازه ها هم نبود که دوازه های را باز کند. هیچکس داخل ارگ شاهی نبودند، حتی خدمه ها و آشپزان هم از ترس طالبان از ارگ گریخته بودند. طالبان قفل ها را شکستانده اند و داخل دفاتر ارگ شاهی شده بودند. کسانی که از اتحاد "ضد" طالبان در هرجا لاف مقاومت میزنند دروغ محض است. آنان در برابر ماشین جنگی طالبان مقاومت نکرده اند. اینکه چند روز پیش محمد محقق در یکی از صحبت هایش کنایه که هدفش رئیس جمهور برحال افغانستان داکتر اشرف غنی افغانستان بود، لاف زده یک دروغ شاخدار است که گویا:

" ما با طالبان جنگ کردیم ما با طالبان صلح میکنم تو کیستی که خود را با ما شریک می سازی". داستان حقیقی جنگ حزب "وحدت" با طالبان طوریت که " وقتی که طالبان عبدالعلی مزاری را دستگیر نموده بودند، نمیخواستند او را بکشند، اما یکی از افراد مسلح نفوذی جمعیت "اسلامی" برهبری برهان الدین ربانی در همان هلیکوپتر انتقال دهنده سلاح کلاشینکوف داشته و سلاح خود را به عبدالعلی مزاری میدهد، عبدالعلی مزاری توسط همان کلاشینکوف بالای افراد مسلح طالبان فیر میکند، که با فیر افراد مقابل عبدالعلی مزاری نیز در همان برخورد داخل هلیکوپتر کشته شده است".



بعد از کشتن عبدالعلی مزاری تمام رهبران حزب "وحدت" مخفی شدند و یا به ایران فرار کردند. تا اینکه بعد از حمله القاعده در یازدهم سپتامبر 2001 میلادی در امریکا قوای نظامی امریکا و ناتو حکومت طالبان را در افغانستان سرنگون نمودند و از ترکیب اتحاد "ضد" طالبان جمعیت "اسلامی" برهبری برهان الدین ربانی، گلجمان رشید دوستم، رهبری فرقه اسماعلیه کیان، و حزب "وحدت" پیروان خمینی را بشمول رسول سیاف و غیره در دولت جدید افغانستان برهبری حامد کرزی سخنگوی حضرت صبغت الله مجدیدی و کارمند کمپنی تیل امریکایی یونیکال را گماشتند که شخص بیسواد محمد محقق خود در همان کابینه وزیر پلان بوده است.

دوم: در جهت مقابله جنگ افغانستان کشورهای غربی بشمول امریکا، عربستان سعودی و پاکستان با وجود اینکه در برخی تفاهمات مشترک میان امریکا با شوروی-روسیه در افغانستان در سقوط حکومت داکتر نجیب الله همنظر بودند، مگر غرب در سایر موارد متقین نبودند که اهداف آنان در افغانستان با این تفاهم تاکتیکی موقتی مشترک با روسیه محافظت شود. با ابتکار پاکستان سازمان القاعده در اگست سال 1988 در شهر پشاور پاکستان برهبری اسامه بن الدین و معاون آن الظواهری تشکیل گردید است.



با ورود اسامه بن الادیب و سازمان القاعده در سال 1993 میلادی در افغانستان هنگامیکه جنگهای نیابتی ایران و عربستان سعودی در افغانستان با جنایات هولناک آن توسط اجیران دو طرف شان حزب "وحدت" برهبری عبدالعلی مزاری و وهابیان پیروی خط عربستان سعودی به رهبری رسول سیاف با شدت آن ادامه داشت. در عین زمان رهبری جنگ از کنترل پاکستان خارج گردیده بود و مطمئن ترین فرد پاکستان صدر اعظم گلبدین حکمتیار هم خارج از شهر کابل در چهار آسیاب مستقر بود. صدر اعظم افغانستان گلبدین حکمتیار خارج شهر از کوه های اطراف آن شهر کابل را زیر آتش با فیرهای راکت قرار میداد، که در مدت چند ماه در شهر کابل بیش هفتاد هزار افراد ملکی بیگانه را بقتل رساندند. پاکستان برای پیشروی خویش در افغانستان تاکتیک جنگ خود را تغییر داد. پاکستان با ارسال طلاب مدارس در جنگ افغانستان زمینه ادغام فعالیتهای مشترک جنگی های سازمان القاعده و طالبان را تحت رهبری اسامه بن الادیب و ملا محمد عمر را تنظیم نمودند. ترکیب جدید ماشین جنگی چهره جنگ را بنفع پاکستان عوض کرد. طالبان بکمک القاعده و پاکستان با شعار که طالبان عساکر اعلحضرت محمد ظاهر هستند، بزودی توانستند تمام ولایت افغانستان را تصرف کنند. با تصرف افغانستان توسط طالبان جمعیت "اسلامی" برهبری برهان الدین ربانی به تاجکستان، سردهسته گلجمان رشید دوستم به ترکیه و حزب "وحدت" هم به ایران فرار کرد بودند.

القاعده ماشین جدید جنگی خود را مرکب از جنگجویان القاعده عرب تبار، افسران آی. اس. آی. پاکستان و جنگ جویان طالبان را بر پایه افراطیت "اسلامی" را شکل دادند و جنگ القاعده تنها در افغانستان بلکه در بسیاری نقاط جهان علیه امریکا و متحدین آنرا آغاز کردند.

دیگر طالبان جز ماشین جنگی القاعده بودند. وقتی فرا رسید که مناسبات رهبر القاعده اسامه بن الادیب با عربستان سعودی در چندین ملاقات با ترکی بن فیصل رئیس استخبارات سعودی در مقر رهبر القاعده اسامه بن الادیب در قندهار از نزدیک بودن عربستان سعودی با امریکا بوخامت گردید. بنابر درخواست رهبر القاعده اسامه بن الادیب که عربستان سعودی باید به عوض عساکر امریکایی طالبان افغان که مسلمان هستند برای امنیت خود استخدام نمایند. عربستان سعودی این پیشنهاد رهبر القاعده را نپذیرفت و عساکر امریکایی را برای امنیت خود استخدام کردند. از آن ببعد دشمنی و عملیات القاعده بر قوای امریکایی حافظ امنیت سعودی، سفارتهای امریکا در افریقا تا حملات یازدهم سپتامبر 2001 میلادی و غیره تا سقوط حکومت طالبان در خزان 2001 میلادی توسط قوای نظامی امریکا ناتو ادامه یافته است، که این بحث جداگانه است و شامل موضع بحث کنونی در اینجا نمی شود.